



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۲/۰۶

نادر شاه سدوزی

## در پرتو نظام دموکراسی

دموکراسی یک نظام دیکتاتوری «سوته کراسی» نیست. یکی از مزایای نظام دموکراسی در آنست که مردم از آزادی و بخصوص از آزادی در حق رأی دادن برخوردار بوده تا اینکه آنها بتوانند نمایندگان واقعی خود را به صفت وکیل چه در شورا و یا در رهبری مملکت انتخاب نمایند. فرق بین دموکراسی نمایندگی با دموکراسی مستقیم و یا پوپولیزم در همین جاست.

تنها رهبر مملکت و وکیل صاحبان هستند که با رأی عمومی مردم انتخاب می شوند و از نمایندگی واقعی مردم برخوردار می باشند و بس. مگر دیگران که بعضی اوقات با اعتراض های رنگارنگ و انتقادات بی جا و یا بجا خود را نماینده مردم معرفی می نمایند اکثر اوقات افکار شان با انگیزه های سیاسی همراه بوده که بدین ترتیب مخالفت خود را با نظام دموکراسی اظهار می دارند ولی نماینده واقعی مردم نمی باشند.

هدف دموکراسی با آزادی های فردی چه در ساحه سیاسی و یا چه در ساحه اقتصادی باشد گره خورده و از برکت همین آزادی های فردی می باشد که هدف دموکراسی در جامعه تحقق می یابد تا اینکه برای هرکس مجال داده شود که آزادانه به فعالیت اقتصادی خویش پرداخته به اصطلاح برسر پای خود ایستاد شوند. و ابراز نظر نمایند، و متکی به خود شوند. ولی بعضی ها از این حالت به حیث ابزار سیاسی سوء استفاده نموده و در تب و تلاش پیاده کردن مفکوره های سیاسی خویش می باشند. یک تعداد از احزاب سیاسی از جمله یکی از آنها تحت عنوان «جبهه ملی مردم افغانستان» در این نزدیکی ها در صحنه سیاسی ابراز وجود کرده و مرام خود را راهی بدیل سیاسی در قسمت تأمین امنیت و رشد اقتصادی ارائه نمود. خوب؛ کاری معقول، ولی در صورتیکه مخرب نظام نباشد. همه می دانند که در نظام دموکراسی موجودیت اپوزیسیون ضروری بوده، در عدم موجودیت آن نظام به یک نظامی یک حزبی به شکل ستالینی به در خواهد آمد. برای فرق پیدا کردن با حزب کمونیست ستالینی اول باید که به آزادی و بخصوص آزادی بیان عقیده داشت. چرا هر کس می تواند خود را دموکرات و آزادمنش معرفی نماید ولی به مجردی که قدرت را کسب نمود اولین کاری که می کند وضع نمودن مقررات در جهت معدوم نمودن آزادی بیان بوده و بعداً متوجه مطبوعات و اقتصاد مملکت گشته و آنرا تحت انحصار دولتی قرار خواهد داد تا اینکه کسی حق شور خوردن یعنی سفر کردن را نداشته باشد و حتی آزادی بیان را با اشکال مختلف سانسور ها لغو خواهد کرد.

بلی، در نظام دموکراسی سیاست مملکت «دولت» پیرو نظام اقتصادی می باشد. هرگاه فعالیت اقتصادی تحت پروگرام «برنامه ریزی» در انحصار دولت قرار گیرد آن نظام را به نام نظام دموکراسی یاد نمی کنند بلکه آنرا به نام نظام سوسیالیستی - مارکسیستی و ستالینی نام می برند.

ولی برخلاف این عقیده که در بالا ذکر رفت، در نظام دموکراسی موجود، افراد از آزادی در ساحه اقتصادی برخوردار اند و نقش دولت در چوکات اقتصاد بازار آزاد که مبتنی بر رقابت ها می باشد از تقویه سکتور خصوصی حمایت نموده و فعالیت های اقتصادی را اساس پیشرفت مملکت می داند. البته با اینگونه طرز حکومت داری خوب و پیشرفته و مدرن، بی دلیل نیست که حکومت پاکستان به مخالفت شدید پرداخته و برای ایجاد بندش در ساحه اقتصادی از روش های دیکتاتوری کار می گیرد. برای بی ثباتی و ناکام سازی حکومت افغانستان وی به طور یک جانبه سرحدات را خلاف مقررات تجارتي بین المللی مسدود نموده؛ تا اینکه بتواند افغان ها را بدین طریق تحت سلطه خویش درآورده و نظام بر حال را به ناکامی سوق دهد. این پلان شوم پاکستانی ها از مدت هاست که دوام دارد و بدین ترتیب تا زمانی که دست پاکستانی ها از مداخله در امور داخلی ما قطع نشود امنیت و صلح در مملکت برقرار نخواهد شد. عین روش را در سابق از طرف حکومت اتحاد جماهیر شوروی وقت نیز مشاهده نموده بودیم که امروز پاکستانی ها عین تاکتیک را بر عهده خود گرفته اند و مورد اجراء قرار می دهند. پس دیده می شود که خصلت نظام های دیکتاتوری در همه جا یکسان می باشد. بناءً، برای از بین بردن این موانع که از طرف پاکستانی ها وضع شده، دولت مؤفقا نه توانسته است که برای رفع مشکلات و موانع از طریق بندر «چا بهار» با هند به مبادله تجارتي بپردازد.

برای تبادل تجارتي باید که راه های مواصلاتی برای تردد اموال باز باشد تا اینکه متشبثین خصوصی بتوانند آزادانه و همراه با امنیت به فعالیت های اقتصادی خود پرداخته تا سبب جریان سرمایه و ایجاد کار شود. برای پیشرفت صادرات و واردات کشور باید که راه های مواصلاتی باز باشد تا تبادل اقتصادی با سایر کشورها انجام بپذیرد.

بنا بر این ایجاد مناسبات خوب با کشور های آسیای میانه در همین امر نهفته تا وضع مناسبات اقتصادی باعث تقویت هرچه بیشتر مناسبات سیاسی با آن کشور ها شود. قسمی که رئیس جمهور اظهار نموده بودند: «امروز خو شبختانه ما وابستگی خاصی به سرحدات کدام کشور نداریم...».

در اخیر می خواهم اضافه نمایم که وقتی آن است تا در مورد انتخابات آینده نظری داشته باشیم. زیرا در گذشته ها کسانی که در خارج به سر می بردند از حق رأی دادن محروم بودند. ولی این مرتبه خواهش اینست که برای افغان ها در خارج به شمول مهاجرین تدابیری گرفته شود که از حق رأی دادن محروم نباشند تا بدین طریق تمام افغان ها چه در خارج و چه در داخل وظیفه ایمانی و وجدانی خود را برای تعیین سرنوشت آینده مملکت انجام داده تا دموکراسی با شراکت همه افغان ها در قسمت رأی دهی مکمل گردد.

پایان